

مبارزه با فساد نباید گزینشی باشد!

صدور فرمان بازگشایی پرونده اختلاس چیزی بین نه صد میلیون تا یک میلیارد دالر از کابل بانک یکی از دو کار عمده و مهمی آقای اشرف غنی احمد زی طی دو روز اول کاری اش به صفت رئیس جمهور جدید افغانستان بود که با علاقمندی و امیدواری های زیاد طرف تایید مردم افغانستان قرار گرفت.

پول مذکور، بر طبق گزارش منابع معتبر، به بیشتر از یک میلیون افغان تعلق داشت که ظاهراً بوسیله بیست تا پنجاه سرمایه دار و کارمند متقلب، اکثراً وابسته به مقام های بلند و زورمند دولت گذشته، در رأس آن ها رئیس جمهور پیشین افغانستان، کرزی و معاون اول او، قسیم فهیم، به شکل غیرقانونی، با سازشی که بین کارمندان فاسد بانک و مشتریان فاسدتر از آن ها صورت گرفت، از بانک مذکور ربوده شده بود.

براساس این فرمان مدیریت تصفیه کابل بانک وظیفه دارد تا در پنج تا ده روز آینده هم قرضه های مردم را تصفیه کند و هم فرایند تصفیه دارایی های کابل بانک را یکطرفه و شفاف سازد. به وزارت خارجه و وزارت مالیه سپرده شده است که با ایجاد ارتباط با دفاتر مالی - سیاسی کشورهای که گمان می رود پول های اختلاس شده به آن جا ها انتقال شده است، حساب های افراد مشکوک در خارج از کشور را به حالت انجماد درآورند. دادستان کل کشور موظف گردیده است تا متهمین قضیه دزدی پول از کابل بانک و کسانی را که متهم به پولشویی هستند مورد تعقیب قرار داده در جریان پانزده روز آینده به دادگاه بسپارند. دادگاه عالی کشور هم مکلف شده تا اتهامات وارده را مطابق اسناد و مدارک طی یک و نیم ماه بررسی نموده فیصله خویش را در زمینه صادر کند.

تا اینجا همه چیز به حد اعلائی آن خوش آیند و امیدوار کننده است، اما دو مشکل و نگرانی در این فرمان وجود دارد که من می خواهم در اینجا بدان به اختصار اشاره کنم:

1- مشکل فساد در دستگاه عدلی و قضایی کشور. اگر فراموش نکرده باشیم، آقای رئیس جمهور در روزی که اولین سخنرانی خویش را به حیث رئیس جمهور جدید کشور، بعد از اجرای مراسم تحلیف، ایراد فرمودند از وجود فساد گسترده در دستگاه قضایی یاد کردند. براساس همین برداشت شان - که صد در صد قابل تایید مردم است - ایشان وعده نمودند که از تمام امکانات قانونی که وجود دارد در راستای اصلاح نظام قضایی کشور استفاده خواهند کرد. ایشان همچنان وعده سپردند که برای انجام اصلاحات در قوه قضائیه کمیته با صلاحیتی را ایجاد خواهند فرمود.

نگرانی این است: وقتی ایشان می دانند که دستگاه قضایی موجود کشور، آلوده به فساد است، یا زیر تأثیر و حمایت ثروتمندان/زورمندان غیردولتی و دولتی قرار دارد، چگونه رسیدگی به قضیه پولشویی و اختلاس پول کابل بانک را به این دستگاه فاسد محول می کنند؟

آیا جناب شان فکر نمی کنند که ارزیابی پرونده یک تعداد از مفسدین به دست یک تعداد مفسدین دیگر به فکاهیات یا سخنانی همراه با شوخی و طنز شباهت دارد؟ جناب شان چه فکر می کنند، که نتیجه کار یک دستگاه فاسد، به نظر شان، چه خواهد بود؟ آیا در نتیجه این فرمان و محول نمودن پرونده فساد به دستگاهی که خود فاسد است و رئیس جمهور هم آن را می دانند، کسانی که مرتکب جرم شده اند، محکوم خواهند شد یا برائت خواهند یافت؟

برخی از آگاهان امور چنین فکر می کنند که فرمان مذکور، خواسته ناخواسته، برای مجرمین این فرصت را فراهم خواهد ساخت که به گونه رسمی و برای همیشه برائت بیابند - اگر پرونده از طریق دستگاه های عدلی و قضایی آلوده با فساد، آنهم عالیترین دادگاه کشور که بعد از آن دیگر دادگاهی وجود ندارد، مورد بررسی قرار گیرد.

از حق نگذریم، با نفوذ و زوری که برخی از افراد متهم به اختلاس پول کابل بانگ در تمام ادارات دولتی، از بالا تا پائین دارند، آیا امکان چنین نتیجه ای از این بررسی بعید خواهد بود؟ در این صورت، آیا بهتر نبود که آقای رئیس جمهور قبل از سپردن پرونده به دستگاه عدلی و قضایی موجود کشور به تصفیه این دستگاه اقدام می نمودند و افراد جدی، واقعاً پاک، صادق و غیروابسته با دزدان و زورمندان را به جای افراد ناپاک و فاسد برای انجام این معمول موظف می ساختند که هم حق به جای خود قرار می گرفت و هم زبان آدم های بیکار و بدگوی بسته می شد؟

فراموش نباید کرد که پیران جهان دیده و صاحب تجربه ما از قدیم و قدیم گفته اند که "هر کار را از طریق مخصوص آن آغاز کنید." یا "امانت را باید به امانت دار سپرد و کار را به کاردان!" نکته دیگر در این مورد این است که مردم فکر می کنند "زور کاکاست که انگور ده تاکاست"، یعنی اگر حمایت رئیس جمهور کرزی و معاون اولش، فهیم، و برخی از وزرا و وکلای و والیان از متهمین اختلاس پول کابل بانگ وجود نمی داشت، یا خود این ها به طریقی در این اختلاس و اختلاس های دیگر دست نمی داشتند، هیچگاهی ربایندگان پول کابل بانگ یا دزدان دیگر سرمایه های ملی در سائر ادارات جرأت نمی کردند دست به فساد و دزدی و اختلاس بزنند؛ و هیچگاهی پرونده ای به چنین بزرگی بیشتر از یک و نیم سال، به گفته آقای دلاوری رئیس بانک مرکزی، در رفک نسیان در دستگاه های قضایی کشور به دست فراموشی سپرده نمی شد و...

عقل انسان برای تعلیل بهانه تراشی ها و تعلق دستگاه قضایی کشور در زمینه کاری که به هیچوجه تعطیل پذیر نبوده است، هیچ علت دیگری را غیر از وجود فساد در دستگاه قضایی کشور، یا زور و فشار زورمندان و یا حمایت مقامات بلند پایه دولتی، بخصوص رئیس جمهور و معاون وی، از ربایندگان پول، نمی تواند ببیند! نتیجه این که:

اول: اگر بررسی پرونده اختلاس کابل بانگ به دلیل وجود فساد در دستگاه قضایی کشور یکی دو ماه بیشتر از آنچه رئیس جمهور تعیین نموده است، وقت بگیرد، به نظری خیلی از انسان ها چندان بد و مهم نیست. مهم آن است که باز هم در این مورد غفلت و اهمال و خویشخوری صورت نگیرد؛ یا پول و فشار و واسطه، که هنوز هم در کشور ما حلال همه چیزها و همه کارهاست، نقشی در منحرف ساختن بیشتر دستگاه قضایی بازی نکند و در غایت کار، مجرمین بریء الذمه نشوند.

دوم: شبکه مختلسین پول کابل بانگ باید بسیار بیشتر از بیست تا پنجاه نفر باشد. این ها باید همه تحت پیگرد جدی و صادقانه و قانون همه شمول قرار بگیرند؛ حتی اگر اشخاصی مانند کرزی هم - به عنوان حامی مختلسین، شامل آن ها باشند. کار دولت جدید باید به گونه "یک بام و دو هوا نباشد." شاید مردم برای اجتناب از بحران کاری نکنند، ولی چشم و زبان دارند که ببینند و اعتراض کنند!!

2- فرد فرد ملت می دانند که آقای رئیس جمهور، از آنجائی که طی این همه سال به عنوان وزیر و مشاور و... در بطن قضایای سیاسی کشور قرار داشته اند، و منحصی انسانی که به خود حق داده اند خود را نامزد ریاست جمهوری کشور کنند و خود را مستحق ترین فرد برای احراز بالاترین کرسی سیاسی - اجرایی - اداری کشور می دانند، باید آگاهی کامل داشته باشند که فساد در کشور ما طی 12 - 13 سال گذشته، بخصوص، به پیمانۀ بسیار وسیعی در رده های مختلف دولتی وجود داشته است. نگارنده در این جا به دلیل انتخاب آقای زاخیلوال به صفت مشاور اقتصادی آقای رئیس جمهور می خواهم به شکل نمونه به وزارت مالیه اشاره کنم. فساد گسترده وزارت مالیه در دوران حکومت کرزی، از آغاز، که زمانی خود آقای رئیس جمهور هم سمت وزارت را در آن داشته است، چیزی نیست که هیچ انسانی، بویژه انسانی به تیزبینی و هوش و فراست و دانایی استثنایی آقای رئیس جمهور جدید، نتواند آن را نبیند.

مردم انتظار داشتند و انتظار دارند که جناب رئیس جمهور جدید مانند فرمان بازگشایی پرونده کابل بانگ، فرمانی عمومی برای تعقیب صد ها و هزار ها پرونده فساد در مرکز و ولایات، به شمول فساد گسترده در وزارت مالیه صادر می کردند و مسئولین تمام اداراتی را که گمان فساد اداری - مالی در آن می رود، تا تصفیه شدن پرونده های مشکوک، از کار برکنار می نمودند؛ مگر جناب شان به جای این کار آقای زاخیلوال را که سال ها مسئول یک وزارت خانه فاسد، به گفته عموم مردم، بوده است، به صفت مشاور خویش تعیین نمودند.

نگارنده مطمئن است که جناب رئیس جمهور نمی دانند که برخورد گزینشی با کسانی که سرمایه های دولت و مردم را به یغما برده اند، یا زمینه ساز این کار بوده اند، برخوردی نیست که از دل قانونمداری و تفکر ملی و اخلاقی برخیزد؛ بلکه برخوردی است مطابق به سلیقه و سود زیان و رابطه و دوستی و دشمنی ایشان با افراد.

آقای رئیس جمهور باید بدانند که چنین برخوردی نه فساد را در کشور ریشه کن می کند و نه مردم، در دراز مدت، از آن راضی می شوند.

پس، اگر جناب شان واقعاً قصد مبارزه با فساد را دارند، باید از خود و از دوستان و حامیان خود، بشمول کرزی، و کسانی که در انتخابات تقلب کردند، آغاز کرده دامنه آن را به گوشه گوشه کشور وسعت بدهند و هیچ فردی را که گمان فساد، تقلب، خویشخوری، زورورزی، سواستفاده از مقام و حمایت از قانونگریزان در مورد آن ها می رود، نباید نادیده بگذارند.

حکم اخلاق، و قانون، و شرافت، و عدالت و انصاف همین است!! در غیر آن همه حرف ها مفت مفت اند!!